

باسمه تعالی

شیوه کار در جلسات درس خارج نهاده الحکمه

## دروس خارج نهاده الحکمه – استاد یزدان پناه

### جلسه دوم

۱۳۹۲/۶/۳۱

#### شرایط شرکت در جلسات درس

در روز گذشته شیوه کار در این جلسات و شرایط آن را مطرح کردیم. برخی از این شرایط را مجدداً تذکر می‌دهم. از تعبیر «خارج نهاده» هم می‌توان فهمید که در این جلسات از اساس، صحبت از سطح نهاده نیست؛ یعنی سروران شرکت کننده در این درس باید قبلاً نهاده را خوانده باشند و قرار بر این نیست که پرسش‌های مربوط به سطح نهاده را پاسخ دهیم. در این جلسات برخی از زوایای دیگر بحث‌ها را مطرح خواهیم کرد. بنابراین نخستین شرط حضور این است که نهاده خوانده شده باشد، مگر عده‌ای خاص که بنا به دلایلی استثنا می‌شوند، مثلاً ممکن است نهاده نخوانده باشند، اما شرح منظومه‌ها درس گرفته باشند. در واقع این جلسات برای کسانی که نهاده را نخوانده‌اند، مفید هم نیست.

شرط دیگر این است که حاضران در درس باید دست‌کم یک یا دو ساعت برای این درس مطالعه و کار داشته باشند. گاه باید روی مسائلی بیندیشند و گاه لازم است به مصادری که ارجاع می‌دهیم، مراجعه کنند.

مسئله دیگر هم این است که عده‌ای هستند که می‌توانند به ما کمک بکنند. به تدریج اینان را گزینش خواهیم کرد. در آینده از آنها کارهایی را خواهیم خواست و برنامه جداگانه‌ای هم با ایشان خواهیم داشت.

#### شیوه کار در این جلسات

شیوه کار گفته شد، اما به‌طور خلاصه، به شروح نهاده توجه خواهیم داشت و نیز به لایه پنهان کار علامه طباطبایی نظر خواهیم کرد. به نوآوری‌های علامه توجه می‌کنیم و نیز هر جا که لازم باشد، به ارائه تقریرهایی جدی‌تر خواهیم پرداخت. می‌کوشیم زوایای کار نهاده را مطرح کنیم.

در کنار آن، به مسئله به‌روز کردن نهاده هم توجه خواهیم کرد؛ بدین معنی که برخی از مباحثی را که امروز مطرح است و در نهاده نیامده است، بدان خواهیم افزود. برای نمونه، به دلیل نیازهایی که امروزه وجود

دارد، برخی از بحث‌های آغازین فلسفی را که علامه در مدخل ذکر فرموده‌اند، مطرح خواهیم کرد. نیز برای پاسخ‌دهی به برخی از مباحث مطرح شده در فلسفه غرب از منظر فلسفه اسلامی، به ظرفیت‌ها و بحث‌هایی نیازمندیم و باید به آنها نیز پردازیم. نیز مرحوم علامه به بحث نفس و معاد در این کتاب پرداخته‌اند، در نهایت اگر توفیق رفیق شد، باید بدان‌ها نیز پردازیم.

## هدف از این جلسات

گفتیم که یکی از هدف‌های برگزاری این درس، ارتقاء سطح تدریس نهایی در حوزه است. هدف دیگر، پرورش عده‌ای با دغدغه‌های فلسفی است. متأسفانه برخی از فلسفه‌خوانان، فلسفه را حفظ می‌کنند، یعنی هرچند می‌توانند تمام آنچه را که در متن وجود دارد و استاد توضیح داده است، بیان کنند، به فهم مباحث نائل نیامده‌اند، به فلسفه به شکل یک دستگاه نمی‌نگرند و حتی به عنوان یک تفکر بدان نگاه نمی‌کنند. این، شیوه مطلوب در دروس حوزی نیست. البته بهترین شیوه برای صورت گرفتن کار فلسفی، دیالوگ و گفت‌وگو است، چنان‌که در جلسه گذشته بیان شد، و این نکته بر جای خود است، اما عمیق مطرح کردن مباحث و فیلسوفانه وارد فضای فلسفی شدن و فکر فلسفی پیدا کردن برای ما اهمیت دارد. بنابراین تلاش بر رسیدن به این ساحت‌هاست. اساساً یکی از دغدغه‌هایی که باعث شکل‌گیری این جلسات شد، این بود که می‌دیدیم عده‌ای حتی اشارات و اسفار را هم خوانده‌اند، اما هنوز حال‌وهوای تفکر فلسفی را درک نکرده‌اند. درک فضای فلسفی هنگامی روی می‌دهد که انسان احساس کند فضا برای او روشن است و به راحتی می‌تواند به پاره‌ای از انظار دست پیدا کند. بر همین اساس، برخی از بحث‌ها را می‌شورانیم و از شیوه طرح پرسش نیز بهره خواهیم برد. طرح برخی پرسش‌ها باعث می‌شود که عمق یک متن به دست آید. با توجه به این نکته، می‌افزایم که باید آهسته‌آهسته این درس به سمت خصوصی شدن پیش برود؛ زیرا طبیعی است که شیوه کار در این جلسات موافق طبع برخی از دوستان نخواهد بود و باید چنین بشود که حاضران در این درس، تنها عده خاصی باشند که بحث‌ها را پرشور دنبال می‌کنند و در کلاس هم پرشور شرکت می‌کنند.

سومین هدف، گسترش اندیشه فلسفی است. برخی از مشکلات و موانعی که در فضای حوزویا در فضای فلسفی با آن روبه‌رویم، باعث می‌شود که فضای فلسفی ما گسترش نیابد و نوعی بی‌رغبتی حتی بی‌مهری نسبت به فلسفه ایجاد شود. باید دانست که واقعیت فلسفه، همین واقعیت انسانی است که باید با آن سروکار داشته باشیم. اگر این نکته هضم شود، آن مشکلات نیز از سر راه برداشته خواهد شد. از سویی دیگر، باید برخی از مباحث فلسفی به صورت گسترده تر در فضای حوزه به راه بیفتد.

چهارمین هدف، پدید آمدن شرحی بر نهاییه است، البته نه از نوع شروحنی که قرار است تنها سطح نهاییه را معنا کنند، بلکه باید به برخی از زوایا نیز پردازد. در این جلسات عمدتاً قرار نیست سطح نهاییه توضیح داده شود، مگر در مواردی که لزومی دیده شود.

پنجمین هدف این است که دوره آموزش نهاییه، حلقه واسطی میان بدایه و «اسفار تحقیقی» باشد. تعبیر «اسفار تحقیقی» نیازمند توضیح است. در سیر کتاب‌های درسی فلسفی (برای تعلیم حکمت متعالیه)، کتابی در آغاز و کتاب اسفار در پایان قرار گرفته است. کتابی هم باید در میان این دو قرار گیرد که فلسفه‌آموز را به ساحت فضای فلسفی ملاحظه برساند. اما متأسفانه در بدایه و نهاییه، همه فضای فلسفی ملاحظه را منعکس نشده است. البته بسیاری از دیدگاه‌ها آمده، اما حال‌وهوای حکمت متعالیه و برخی دقت‌ها انعکاس نیافته است. البته اینکه علامه این دو کتاب را بدین صورت نگاشت، برای خود دلایلی دارد. اما به هر ترتیب باید فلسفه‌آموز به فضای اسفار وصل شود. باید پیش از خواندن اسفار، دیدگاه‌های نهایی ملاحظه را بدانیم تا وقتی به درس اسفار می‌رسیم، این کتاب را تحقیقی بخوانیم؛ زیرا کار علمی و تحقیقی عمر مفیدی دارد و اگر طلبه در این عمر مفید نتواند استفاده کافی را ببرد، بعد از گذشت آن دیگر معلوم نیست که بشود کاری کرد. برای نمونه، در درسی که پیش از اسفار خوانده می‌شود، باید اصالت وجود به همراه برخی از ژرف‌کاوی‌ها مطرح شود. نباید این‌گونه باشد که طلبه وقتی به اسفار رسید، تازه به فکر حل مسئله اصالت وجود باشد، بلکه در اسفار باید تحقیق کرد و باید دید که ملاحظه با اصالت وجود چه کرده است. آیا جوانب و لوازم آن را مطرح کرده است؟ کسانی که بدین شیوه اسفار را می‌خوانند، موفقیت زیادی کسب می‌کنند و بلکه صاحب نظر می‌شوند؛ زیرا اسفار اوج کار است. بنابراین باید حلقه واسطی به اسفار را فراهم کرد. بخشی از کار را علامه در نهاییه انجام داده است و بخشی از کار همچنان باقی است. برخی از مباحث لازم برای فراهم آمدن این منظور، حتی در شرح منظومه هم نیامده است. (البته برخی در شرح منظومه آمده ولی در نهاییه نیامده است.) باید با بسیاری از مسائل در کار صدرا آشنا شد. ما در بحث‌ها، مواضع حساس را مطرح خواهیم کرد، و البته نمی‌توان به همه مباحث پرداخت.

ما به مطالب سطح نهاییه به شکل موجز اشاره خواهیم کرد (شبه آنچه در درس‌های خارج اصول در مورد انتظار صاحب کفایه انجام می‌شود) و شما باید قبل از حضور در کلاس، دست‌کم سطح نهاییه را آماده کرده باشید. نیز لازم است به مصادری که بدان ارجاع داده می‌شود، مراجعه کنید. مباحثه و همراهی با مطالب نیز لازم است.